

# تفسیر موضوعی

چیستی، بنیان‌ها و پیش‌فرض‌ها

سیدهدایت جلیلی

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)



جلیلی، هدایت، ۱۳۴۲ -

تفسیر موضوعی: چیستی، بنیان‌ها و پیش‌فرض‌ها / سیدهدایت جلیلی. - قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.

۲۲۳ ص. - (مؤسسه بوستان کتاب؛ ۱۵۹۲) (قرآن؛ ۲۱۲. علوم قرآن؛ ۱۰۹)

ISBN 978-964-548-584-7

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتاب‌نامه: ص. [۲۱۱] - [۲۱۴]: همچنین به صورت زیرنویس.

چاپ چهارم: ۱۴۰۳.

۱. تفسیر - فن. ۲. تفسیر موضوعی - تحقیق. الف. مؤسسه بوستان کتاب. ب. عنوان.

۲۹۷/۱۷۱

BP ۹۱/۵/ج ۸ت ۷

۱۴۰۳

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

■ موضوع: علوم قرآن: ۱۰۹ (قرآن: ۲۱۲)

■ گروه مخاطب: تخصصی

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۱۵۹۲

مسلسل انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۸۸۳۱

بوستان کتاب

# بوستان کتاب

## تفسیر موضوعی

چیستی، بنیان‌ها و پیش‌فرض‌ها

• نویسنده: سیدهدایت جلیلی

• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

• نیتوگرافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

• نوبت چاپ: ۱۴۰۳ / شمارهگان: ۲۰۰

• بها: وب‌سایر / مؤسسه بوستان کتاب

تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیک اثر متعلق به مؤسسه بوستان کتاب است

Printed in the Islamic Republic of Iran

♦ دفتر مرکزی: قم، خیابان معلم، معلم ۱۲، پلاک ۱۷، کلبه‌سی: ۰۲۵۳۱۱۵۲۶۳۲ / تلفن: ۰۲۵۳۱۱۵۲۶۳۲

تلفن‌های پخش: ۰۲۵۳۱۱۵۲۷۴۰ و ۰۲۵۳۱۱۵۲۷۴۱

♦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا، تلفن: ۰۲۵۳۱۱۵۱۱۸۷ و ۰۲۵۳۱۱۵۱۲۵

♦ فروشگاه تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و فلسطین، پلاک ۹۵۱، تلفن: ۰۲۱۶۶۹۶۹۸۷۷۸

♦ فروشگاه اصفهان: خیابان حافظ، چهارراه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۰۳۱۳۲۲۲۰۳۷۰

♦ فروشگاه مشهد: چهارراه خسروی، مجتمع پاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۰۵۱۳۲۲۳۳۶۷۲

♦ فروشگاه رنگین کمان (کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، تلفن: ۰۲۵۳۱۱۵۲۷۷۳

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail: info@bustaneketab.ir

پایگاه اینترنتی فروش کتاب: www.bustaneketab.ir

با قدردانی از همکاری‌هایی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

• اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب و سرویراستار: ابوالفضل طریقه‌دار • ویراستار: محمداسماعیل انصاری

• حروفنگار: لیلیا حاج‌اسماعیلی • اصلاحات حروفنگاری و صفحه‌آرایی: احمد اخلی و حسین محمدی

• نمونه‌خوانی: مهدی سهرابی، سیدکاظم رضوی و محمدحسن مظفری • کنترل نمونه‌خوانی: محمدجواد مصطفوی

• طراح جلد: مسعود نجابتی • اداره آماده‌سازی: حمیدرضا تیموری

• اداره چاپخانه: محمد فرامرزی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی.

رئیس مؤسسه  
محمدباقر انصاری

## فهرست موضوعات

- ۱۱ ..... اثری جدّی و روش مند
- ۱۷ ..... اکنون و این کتاب
- ۲۳ ..... پیش درآمد

### بخش نسبت: درآمد

- ۳۰ ..... ۱. خاستگاه تاریخی - معرفتی تفسیر موضوعی
- ۳۰ ..... الف) پاسخی به درماندگی
- ۳۱ ..... ب) جست و جوی بدیل
- ۳۳ ..... ج) جهان جدید و انسان متجدد
- ۳۶ ..... ۲. آیا تفسیر موضوعی، تباری دارد؟
- ۴۴ ..... ۳. جایگاه تفسیر موضوعی در طبقه بندی تفاسیر
- ۵۱ ..... ۴. تفسیر موضوعی؛ روش یا روش‌ها؟
- ۵۴ ..... ۵. نسبت تفسیر موضوعی با تفسیر ترتیبی
- ۵۸ ..... ۶. چه نیازی به تفسیر موضوعی؟
- ۶۴ ..... ۷. دلایل و دغدغه‌های مخالفان تفسیر موضوعی

۸. دامنه‌شناسی موضوعات در تفسیر موضوعی ..... ۸۲
۹. مرزشناسی تفسیر موضوعی ..... ۸۷

### بخش دوم: مراحل اساسی پژوهش

۱. توصیف ..... ۹۶
- نمونه اول: خاتمیت ..... ۹۷
- نمونه دوم: من هدی القرآن ..... ۱۰۱
- نمونه سوم: المدرسة القرآنیة ..... ۱۰۶
- نمونه چهارم: تفسیر موضوعی قرآن ..... ۱۰۹
- معیار سنجش معنای قرآن ..... ۱۱۱
- چشم و گوش و دست و پا: تدابیر اعمال ..... ۱۱۴
- نمونه پنجم: فطرت ..... ۱۱۶
- نمونه ششم: جامعه و تاریخ ..... ۱۱۸
- نمونه هفتم: جامعه و تاریخ ..... ۱۲۱
- اصالت فرد یا جامعه ..... ۱۲۲
- نمونه هشتم: المیزان فی تفسیر القرآن ..... ۱۲۶
- گفتاری در معنای شهاب ..... ۱۲۷
- معنای قلب در قرآن ..... ۱۳۰
- چرا دین اسلام خاتم است؟ ..... ۱۳۱
- نمونه نهم: منشور جاوید قرآن ..... ۱۳۳
- قلب و فؤاد در قرآن ..... ۱۳۴

۱۳۶	نمونه دهم: باد و باران .....
۱۴۲	۲. تبیین .....
۱۴۳	گام نخست: تعریف تفسیر موضوعی و بیان مقومات آن .....
۱۴۴	۱. کوششی است بشری در فهم .....
۱۵۳	۲. روش مندی .....
۱۵۴	۳. پاسخی از قرآن .....
۱۵۴	۴. گردآوری - مبتنی بر تئوری - آیات .....
۱۵۹	۵. اوصاف موضوعات تفسیری .....
۱۶۰	الف) وجود موضوعات .....
۱۶۲	ب) موضوعات «عملی» و «نظری» اند .....
۱۶۳	ج) موضوعات، برخاسته از مسائل فقهی نظری و احوال حیات جمعی اند .....
۱۶۴	۶. انتظار از قرآن .....
۱۶۷	۷. حق دانستن سخن قرآن .....
۱۷۰	گام دوم: ارکان تفسیر موضوعی .....
۱۷۵	گام سوم: پیش فرض های تفسیر موضوعی .....
۱۷۵	۱. توان مندی زبان قرآن در القای استنباط های علمی .....
۱۷۷	۲. حق بودن گزاره های قرآن .....
۱۷۸	۲/۱. سازگاری درونی .....
۱۸۰	۲/۲. سازگاری بیرونی .....
۱۸۵	۳. جامعیت و کارآمدی قرآن .....
۱۸۷	۴. امکان هم سخنی بین دو رکن درونی و بیرونی .....

۴/۱. یک‌سانی گزاره‌های علمی و دینی از حیث نوع ربطشان با واقعیت	۱۸۷
۴/۲. وجه اشتراک در زبان علم و دین	۱۸۹
۴/۳. وجه اشتراک در متعلق و قلمرو سخن	۱۹۰
۵. ذو وجوه بودن آیات	۱۹۳
۳. توصیه	۱۹۶
۱. انباشتن ذهن از دانش‌های عصر	۱۹۸
۲. تصحیح و تنقیح مبانی و پیش‌فرض‌ها	۲۰۱
۳. درکی عمیق از پرسش‌های زمانه	۲۰۲
۴. درکی عمیق از کتب و آموزه‌ها	۲۰۴
۵. درکی تاریخی از پدیدهٔ تفسیر	۲۰۷
کتاب‌نامه	۲۱۱
نمایه	۲۱۵
آیات	۲۱۷
روایات	۲۱۹
اعلام	۲۲۰

## اثری جدی و روش مند<sup>۱</sup>

محمدعلی مهدوی راد

عنوان «تفسیر موضوعی» بی‌گمان مستحدث است و توجه جدی بدان بیشتر و پیشتر از هر چیزی و امدار تحولات فکری و فرهنگی بنیادین در قرن چهاردهم است. قرن چهاردهم را بدون هیچ تردیدی، باید دوره تجدید و تحول در تفسیر قرآن دانست. در این قرن انقلابی در آستانه قرآن پدید آمده که به لحاظ روش، مواد، تحلیل و گرایش‌های گوناگون، یکپاره با آنچه در قرن‌های پیشین بوده، متفاوت است.

مؤلف در اثر حاضر کوشیده است این روش را در تفسیر حقایق الهی و معارف قرآنی ارزیابی کند و چند و چونی آن را در مسیری که داشته، بشناساند. توضیح کوتاه مؤلف درباره این پژوهش چنین است:

در این تحقیق، تفسیر موضوعی را آن چنان که «هست»، نه آن چنان که «باید» و به دیگر عبارت در مقام «تحقق» نه «تعریف» بازشناخته‌ایم و جنبه‌های روشی، ارکان معرفتی و مبانی تئوریک و نظری آن را کاویده‌ایم.

کتاب حاضر از یک مدخل و سه بخش اساسی تدوین یافته است، در مدخل، در ضمن نُه بحث، مقدمات لازم برای بحث و فحص اساسی از تفسیر موضوعی

۱. نقد و نظر نویسنده بر چاپ نخست، به نقل از: آینه پژوهش، شماره ۲۵.



بررسی شده است. در فصل اول از خاستگاه اجتماعی - فرهنگی تفسیر موضوعی سخن رفته و زمینه‌هایی که موجب این‌گونه نگرش به قرآن کریم گردیده، شمرده شده است.

در فصل دوم از پیشینه تاریخی تفسیر موضوعی بحث شده و به‌درستی به مستحدث بودن آن اشاره گردیده و به برخی از خلط‌ها در ارایه موضوع تنبه داده شده است. فصل سوم عهده‌دار تبیین جایگاه تفسیر موضوعی است در طبقه‌بندی تفاسیر؛ که در ضمن آن به دیدگاه‌های گونه‌گون درباره آن پرداخته شده است. در این فصل با اشاره به پیشینه کهن تفسیر ترتیبی، کارآمدی تفسیر موضوعی از نگاه تفسیر پژوهان بزرگی چون علامه شیخ محمود شلتوت و علامه شهید سید محمد باقر صدر توضیح داده شده است. در فصل چهارم نگاه برخی از نویسندگان به تفسیر موضوعی مطرح شده و نظر کسانی که معتقد به روش‌های متعددی هستند، به‌درستی نقد نشان داده شده است که آن‌چه در آن‌گونه نوشته‌ها آمده است، «روش‌های تنظیم و ارتباط موضوعات مختلف تفسیری است» و نه روش‌های تفسیر موضوعی. در فصل پنجم از ارتباط تفسیر ترتیبی و موضوعی سخن رفته و نیازمندی تفسیر موضوعی به تفسیر ترتیبی شناسانده شده و رابطه طولی این دو به خوبی نموده شده است. در فصل ششم به ضرورت تفسیر موضوعی توجه شده است. در این بحث نشان داده شده که حضور عینی قرآن در آوردگاه اندیشه‌ها و پاسخ‌یابی از معارف آفتابگون آن از ده‌ها پرسش برخاسته از تجربه بشر در حیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بیش از هر چیزی وامدار حضور جدی تفسیر موضوعی در پژوهش‌های قرآنی است.

در فصل هفتم، دلایل معارضان تفسیر موضوعی به دایره نقد ریخته شده و در ادامه بحث معنای دقیقی از روایت «ما ضرب رجل القرآن بعضه ببعض الا

کفر» به دست داده شده است. دامنه «موضوع» در تفسیر موضوعی تا کجاست و چگونه تفسیرهایی را تفسیر موضوعی می‌نامیم، پرسشی است که در فصل نهم به آن پرداخته و روشن شده است که چگونه در آثار برخی از قرآن‌پژوهان بین تفسیر موضوعی و مباحث علوم قرآنی از یک‌سو، و بین آن و تفسیر قرآن به قرآن، خلط ناصواب ایجاد شده است.

پس از این مقدمات مؤلف به عرصه بدنه اصلی کتاب می‌پردازد و آن را در ذیل سه عنوان «توصیف»، «تبیین» و «توصیه» بررسی می‌کند. در مرحله نخست ده نمونه از تفاسیر موضوعی را گزارش کرده و کوشیده‌اند چگونگی طرح موضوع، بررسی آیات و بهره‌وری از آنها و نتیجه‌گیری نهایی از منظر مفسران را بنمایانند.

جبر تاریخ و جاوید اسلام از شهید مطهری، طبیعت دعوت اسلامی از شیخ شلتوت، صور بیان قرآن از سید علی حسینی از شهید صدر، اصالت فرد یا جامعه از محمد تقی مصباح، معنای قلب در قرآن از علامه طباطبائی و... برخی از این موضوعات است.

سپس با عنوان «تبیین» مؤلف می‌کوشد با توجه به مصادیق بررسی شده در مرحله نخست و بازیابی اوصاف مشترک نهفته در آنها به این سؤال‌ها پاسخ دهد که تفسیر موضوعی چیست؟ ارکان آن کدام است؟ و بالأخره خاستگاه و مبانی تئوریک این پدیده چیست؟ از این رو، این بحث در سه بخش: ۱. تعریف تفسیر موضوعی و ذکر مقومات تعریف ۲. ارکان تفسیر موضوعی ۳. مبانی تئوریک تفسیر موضوعی سامان یافته است.

مؤلف تفسیر موضوعی را چنین تعریف می‌کند:

«کوششی است بشری در فهم روشمند نظر قرآنی در سایه گردآوری مبتنی بر تئوری- آیات پیرامون مسائل و موضوعات زنده عملی و نظری- برخاسته از

معارف بشری و احوال حیات جمعی - که انتظار می‌رود قرآن سخن حقی در آن خصوص دارد.»

این تعریف با تمام دقتی که در آن به کار رفته، تمام نیست، دست‌کم تعریفی برخاسته از نمونه‌ها و مصادیق موجود نمی‌تواند تلقی شود، سپس مؤلف بخش‌های مختلف تعریف یا به تعبیر خودش «نکته‌های نهان در تعریف» و مقومات آن را شرح کرده است. سپس از ارکان تفسیر موضوعی (ارکان بیرونی و درونی آن) سخن رفته است و بالأخره از مبانی تئوریک تفسیر موضوعی بحث شده و در ضمن آن ۱. زبان دین می‌تواند استنباط‌های علمی را القا کند؛ ۲. گزاره‌های دینی حقتند؛ ۳. سازگاری درونی و بیرونی آیات و معارف آن و ... به عنوان مبانی تئوریک تفسیر موضوعی مطرح شده‌اند. در مرحله سوم و پس از توصیف تفسیر موضوعی از حیث چگونگی آن، از «توصیه» سخن رفته است. مؤلف ابتدا تأکید می‌کند که از تفسیر موضوعی حتی - از سوی کسانی که در این راه گام برداشته‌اند - تصویر درست همه جانبه‌ی آن به‌نشد است. او توصیه می‌کند که مفسر در این راه باید ذهن را معارف گونه‌گون بیاکند تا مواجهه او با قرآن مواجهه عالمانه باشد. وی در ادامه بحث روشن می‌کند که برای مفسر فرض است که ۱. معارف دینی؛ ۲. معارف عصر را، برای دریافتن حقایق قرآنی و به دست دادن پژوهی درست در تفسیر موضوعی به دقت دریابد و ذهن را از این دو بیاکند. وی پیشتر کلام شهید صدر - رضوان الله علیه - را آورده بود که:

«بر ذمه مفسر موضوعی است که ابتدا خود را در میدان منازعات فکری، تجارب علمی بشری بیفکند و آن‌گاه با کوله‌باری از تجارب بشری و سؤال‌هایی به اندیشه‌های بشری در انداخته است روی در روی قرآن بایستد و با ذهنی پر از مسائل و مآمال از پرسش‌های عصر در مقابل معارف قرآنی زانو زند و آنها را بر آستان کلام الهی عرضه کند، یکایک بپرسد و پاسخ را از قرآن باز جوید.

«نویسنده درکی پاسخگو به پرسش‌های نظری و عملی عصر داشتن» و «مطالعه تاریخی تفسیر» را نیز برای رسیدن به تفسیر موضوعی استوار و کارآمد توصیه می‌کنند.

با این‌که این نگاه گذرا اندکی به تفصیل گرایید، اما هنوز هم نکته‌های گفتنی و تأکید کردنی در این نوشتار بوده است که آنها را وا می‌گذاریم.

در ارزیابی کلی کتاب، نخستین امتیاز آن را جدی بودن آن باید برشمرد. برای خواننده با نگاهی گذرا روشن می‌شود که نویسنده موضوع را جدی گرفته و ابعاد آن را به درستی کاویده و در پی آن بوده است که بر این موضوع در حد توان پرتویی بیفکند و گفته‌ها را بی‌ثمر باز نگوید. دو دیگر آن که کتاب روشمند است و از دیمی کاری به دور و از ماری به هر جهت نویسی پیراسته. این بنده کتاب را به دقت خواندم و از آن بهره‌مند شدم. اکنون پس از این ارزیابی کلی باید برخی نکات ریز را نیز بیاورم. در ضمن ده نکته‌ای که برای ارزیابی آورده شده است، نمونه دهم در میان آثار آن نویسنده در ارایه این موضوع برجستگی ویژه‌ی ندارد و قطعاً در مقایسه با آثاری چون «بازگشت به قرآن»، «توحید و تکامل» و... از همان نویسنده بسی ضعیف است. از این روی مؤلف نتوانسته است به درستی از این نقل‌ها شیوه وی را استخراج و عرضه کند.

در پایان این بخش از کتاب‌هایی یاد شده است که در تفسیر موضوعی سامان یافته‌اند. از این مجموعه، «علی مائدة القرآن» چنین نیست و عناوین دیگر نیز بر پایه تعریف مؤلف از تفسیر موضوعی چنین نیست؟

به ویژه دومین کتاب از آثار مهمی در این زمینه غفلت شده است؛ از جمله از کتاب خواندنی و مهم «التفسیر الاسلامی للتاریخ» عمادالدین خلیل که بحث‌هایش همگونی فراوانی با بحث‌های شهید صدر دارد.

مؤلف با تأکیدی که بر تعریف خود از «تفسیر موضوعی» دارد، جمع‌آوری

آیات هم‌مضمون و گردآوری آیات بر اساس کلمات هم‌خانواده و مترادف را تلقی عوامانه از تفسیر موضوعی دانسته است؛ که قطعاً بی‌انصافی است.

این‌گونه تفسیرها به‌واقع تفسیر موضوعی است، اما مرحله ابتدایی آن؛ و با این همه کارآمد است و سودمند، اما این‌که وی پنداشته است که این‌گونه گردآوری صرف، تفسیر موضوعی تلقی شده و مآلاً به نقد آن پرداخته است، درست نیست. از این رو مؤلف یکی از این نمونه‌ها، عنوان کتابش را «المدخل الی التفسیر الموضوعی» گذاشته است!! در صفحه ۱۴۲ در نقل کلام آقای سبحانی دقت لازم به کار نرفته است. باور به این‌که قرآن «به لسان قوم و همراهی با فرهنگ و فهم جامعه عصر نزول وحی» نازل شده است با این باور «که دین در تبیین پدیده‌ها از برای رومی، بیان مطابق با واقع را پیشه می‌کند» منافات ندارد! در صفحه ۱۴۳ آن‌چه به عنوان «نُظَرُ نسبت داده شده است، درست نیست. این مطلب از آن مرحوم آیه‌الله شیخ جواد بلاغی است در مقدمه تفسیر گرانقدر و ناتمام «آلاء الرحمن». این مقدمه را ناشر تفسیر مرحوم کُتُبُ در آغاز آن نهاده و تصریح کرده است که از مرحوم بلاغی است.

دو دیگر این‌که این عبارت مؤلف «... و نیز تحلیل اقوال دانشمندان تجربی عصر خویش به این نتیجه رسیده‌اند (ص ۱۴۳)»، درست نیست. مرحوم بلاغی اقوال دانشمندان تجربی عصر خویش را نقل و رد کرده‌اند.

درباره تعریف مؤلف از تفسیر موضوعی و توضیح بندهای مختلف آن و نیز تصویر درست از تفسیر موضوعی سخن بسیار است که می‌گذریم و برای مؤلف آرزوی توفیق می‌کنیم.

## اکنون و این کتاب

۱. از انتشار نخست کتاب حاضر، بیش از یک دهه می‌گذرد و از نگارش آن، اندکی بیشتر. در این سال‌ها، کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری در حوزه روش‌های تفسیر قرآن نگاشته شده است.

پس، چه نیازی است به انتشار دیگر بار این اثر؟ این، پرسشی است که نویسنده، پیش از هر خواننده‌یی در خاطر برسیده است. ملاحظاتی چند، باعث شده است که نویسنده با انتشار دیگر بار این اثر، مدل و همراه باشد:

۱ - ۱. موضوع کتاب، هنوز در شمار بایسته‌های آن پژوهی است. روش‌شناسی تفاسیر، از حوزه‌های نوپایی است که هم‌چنان، نیازمند پژوهش‌های ژرف و گسترده است. پژوهش در روش تفسیر موضوعی نیز، از آن رو که خود، پدیده‌یی نو در تاریخ تفسیر است، از نیازهای مبرم امروز است. هر چند، گفتنی است که تفسیر موضوعی پس از چند دهه رونق و شور، اکنون، روزگاری آرام را سپری می‌کند. دیگر، نه از دفاعیه‌های پرشور خبری است و نه از ردیه‌ها و اعتراض‌های تند، اثری. چنین احساس می‌شود که تفسیر موضوعی دچار سکون و رکود شده است و آفتاب اقبال آن، روی در افول و غروب نهاده است و چنین گمان می‌رود که تفسیر موضوعی، دولت مستعجل باشد. ممکن است کسی بگوید: حال که چنین است، پژوهش و نگارش در آن نیز، وجه

ضرورت و اولویت خود را از دست می‌دهد. اما، نه چنین است. تفسیر موضوعی هم‌چنان نیاز مبرم و مستمر قرآن‌پژوهی است و آن‌که اندک آشنایی با جهان فکری و فرهنگی امروز دارد، این نیاز را انکار نتواند کرد. نیازهایی که خاستگاه تفسیر موضوعی بوده است، نه تنها از بین نرفته است، بلکه رو به فزونی دارد. وانگهی، بدیل و جای‌گزینی کارآمدتر از این روش، برای پاسخ به این نیازها عرضه و آزموده نشده است. از این رو، وضعیت امروز تفسیر موضوعی نیازمند آسیب‌شناسی است تا جای‌گزینی و بدیل‌یابی.

نگارنده بر این باور است که ده - یازده مجرا برای رخنه‌آسیب‌ها و آفت‌ها در تفسیر موضوعی قلمب شناسایی است. آنچه امروزه تفسیر موضوعی را چنین رنجور و راکد ساخته، مهال شدن این رخنه‌هاست، نگارنده امید می‌برد، به‌زودی در نوشتاری مستقل به آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی بپردازد.

۱ - ۲. چارچوب و ساختار کتاب در نه‌چونیت آن - هنوز قابل دفاع است. این سخن بدان معناست که تصویر و قرائتی که کتاب حاضر از تفسیر موضوعی، بنیان‌ها و پیش‌فرض‌های آن به دست می‌دهد و تمایزها و تفاوت‌هایی که با سایر روش‌های تفسیری می‌افکند، و نیز از حیث روش پژوهش و داده‌های آن - در قیاس با سایر قرائت‌ها - هم‌چنان معتبر، متبع و به حقیقت چیستی و چونی تفسیر موضوعی نزدیک‌تر است.

۱ - ۳. اگر در حوزه روش‌شناسی تفسیر موضوعی، پژوهش‌های دیگری سامان و نشر یافته بودند که در طرح درست پرسش‌ها، روش پژوهش، انتخاب زاویه نگاه، بهره‌مندی از زیر ساخت‌های معرفت‌شناختی و هرمنیوتیکی و ارائه پاسخ‌های بهتر، جامع‌تر و کارآمدتر کامیاب بودند، از باب «چون که صدآمد، نود هم پیش ماست»، باز هم انتشار دیگر بار این اثر و آثاری از این دست، وجهی نداشت. اما و افسوس، که چنین نیست. جای چنین

پژوهش‌هایی هنوز خالی است.

بنابراین، نه بضاعت و قوت این کتاب، که فقر فضای پژوهشی در حوزه روش‌های تفسیر است که از اقبال به این اثر نکاسته است. با این حال، اگر سخن از سر انصاف را حمل بر ستایش نکنیم، این اثر، از دو حیث با آثار مشابه موجود فاصله دارد: نخست، به خاطر روش و متدی که در تفسیر پژوهی اتخاذ کرده است و دیگری، به لحاظ داده‌هایی که فرایش می‌نهد.

۱ - ۴. کتاب حاضر، بیش از آن‌که انتظار رود، و بی‌آن‌که تبلیغ شود، بختیار و کامیاب بوده و آرام و بی‌صدا جای خود را نزد پژوهش‌گران و علاقه‌مندان این حوزه باز کرده است. در این چند سال، که از انتشار آن می‌گذرد، مرجع بسیاری از مقالات، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های تحصیلی بوده است. به گواهی دست‌اندرکاران برخی کتاب‌خانه‌های تخصصی و دانشگاهی، محل رجوع بسیاری از پژوهشگران و دانشجویان بوده است.

افزون بر این، کتاب حاضر در جلب توجه و اعتماد مراجع آموزش عالی نیز کامیاب بوده است. این کتاب، هم اکنون در شمار منابع درسی مصوّب رشته علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی دانشگاه‌های سراسری و نیز دانشگاه آزاد اسلامی است. هم‌چنین، تا آن‌جا که خبر دارم، جزو منابع درسی مصوّب سه رشته در کارشناسی ارشد؛ یعنی، رشته‌های علوم قرآن، معارف قرآن و تفسیر اثری است.

امیدوارم نکته‌های چهارگانه مذکور، انتشار دیگر بار این اثر را صورتی موجه و معقول ببخشد.

۲. آیا این اثر نیازی به بازنگری، ویرایش و بازنویسی ندارد؟ روش‌شناسی تفاسیر موضوعی فرزند دوران خود بود و از بضاعت فکری روزگار خود بهره برده بود. اما در این سال‌ها، مباحث زبان‌شناختی، هرمنیوتیکی، دین‌شناختی و



به‌ویژه، بحث‌های کلامی جدید همچون، کثرت‌گرایی، قرائت‌پذیری متون دینی، انتظار از دین، قلمروشناسی دین، زبان دین، تاریخ‌مندی متون دینی، تجربه دینی و نبوی و تفسیر آن و مباحثی از این دست، رونق روزافزونی یافته‌اند و آبشخورهای فراوانی برای تفسیرپژوهی فراهم آورده‌اند. طبیعی است اگر کسی در مقام پژوهش و نگارش در حوزه تفسیرپژوهی برآید، از این سرمایه ارجمند، می‌تواند بهره‌های فراوان ببرد و محصولی به مراتب متفاوت‌تر فرا پیش نهد. سخن در این است که چنین چیزی جامه عمل نپوشیده است و باید در انتظار آمدن چنین موجود مبارکی بنشینیم. اما تا آمدن چنین اثری، کتاب روش‌شناسی تفسیر موضوعی که در بازنگری و چاپ جدید، نام تفسیر موضوعی؛ چیستی، بنیان‌ها و پیش‌فرض‌ها یافته است. - به دلایلی که گفته آمد - هم‌چنان خواستنی و خواندنی است. همان معنا نیست که اصلاح و ویرایشی را نطلبد.

نگارنده بر آن بود که در چاپ جدید، دست‌انگشت نکات برآمده از آثار جدید در حوزه روش‌شناسی تفاسیر - خصوصاً روش‌شناسی تفسیر موضوعی - را در کتاب خویش اعمال کند، نمونه‌های جدید تفسیری را جای‌گزین نمونه‌های ده‌گانه کتاب کند و در تعریف تفسیر موضوعی، بنیان‌های معرفتی و پیش‌فرض‌های ثوریک آن تجدیدنظر کند. اما مطالعه و ملاحظه برخی از این آثار او را از این کار باز داشت.

در جای‌گزینی نمونه‌های تفسیری یک ملاحظه مهم مطرح بود و آن این‌که، چون بنیان مباحث کتاب؛ یعنی مرحله تبیین و توصیه، بر این نمونه‌ها متکی بود و در جای جای کتاب به این نمونه‌ها استناد شده بود، می‌بایست در صورت جای‌گزینی نمونه‌های جدید، همه استنادهای مربوطه نیز تغییر می‌یافت. این کار گرچه کتاب را روزآمد می‌کرد، اما هیچ تغییر و تحولی در استخراج داده‌ها و

دست آوردها نداشت. برای این که، نمونه‌های جدید، داده‌ها و دستاوردهای این کتاب را نه تنها به چالش نمی‌کشیدند، بلکه آن را تأیید می‌کردند. از این رو، چنین کاری چندان ثمری نداشت.

در خصوص آثار جدید در حوزه تفسیرپژوهی و روش‌شناسی تفاسیر نیز ماجرا، کم و بیش به همین قرار بود. نگارنده بر این باور است که بخشی از مباحث این آثار، در بردارنده مواضع و مطالبی هستند که پیشتر در همین کتاب به طرح و نقد آنها پرداخته است و ذکر و نقد دیگر بار آنها، جز تکرار و ملال حاصلی نداشت. پرداختن به بخش دیگر مباحث نیز - جز در مواردی معدود که رویکردی جدید و جدی به تفسیر موضوعی دارند - به معنای گشودن باب نقدها و پاسخ‌های جدید به کاستی‌ها و ناراستی‌های جدید خواهد بود.

این ملاحظات بود که در این کتاب، و با بر آن داشت که جز بازنویسی فصل نخست، در سایر بخش‌های کتاب، صرفاً به اصلاح و تنزیه‌ی و پیرایشی متن بسنده کند.

۳. انتشار دیگر بار این اثر، مرهون عنایت و خوشگرا آفاق تفسیر و حدیث، استاد فرهیخته حجة الاسلام دکتر محمد علی مهدوی را می‌بینیم. زحمات دست اندرکاران انتشارات مؤسسه بوستان کتاب است. از ایشان و یکایک آن عزیزان سپاس‌گزاریم.

سید هدایت جلیلی

## پیش‌درآمد

پژوهش حاضر، نگاهی پسینی<sup>۱</sup> است به پدیده‌ای که در عصر ما اصطلاح نوپدید «تفسیر موضوعی» نام گرفته است. اصولاً روش‌شناسی پسینی، شاخه‌ای از معرفت‌شناسی پسینی<sup>۲</sup> است و روش‌شناسی تفاسیر موضوعی فرع وجود تفاسیر موضوعی را مسبوق بدان است. در این پژوهش، تفسیر موضوعی را آن چنان که «هست»، نه آن‌گونه که «باید» و به دیگر عبارت، در مقام «تحقق» نه «تعریف» بازشناخته‌ایم و جنبه‌های روشی، ارکان معرفتی و مبانی تئوریک و نظری آن را کاویده‌ایم. این نگرش، نگاهی است ا‌پ‌پو‌س‌ت‌ری‌و‌ن و نه از درون. همه تفاسیر موضوعی در این مقام به یک چشم نگریده می‌شوند. از این رو که تفسیر موضوعی‌اند، نه از آن رو که حاوی نتایج حق یا باطلند. در این مقام، حق و باطل مفسران، هم‌نشین و هم‌ارزش‌اند و از حق و باطل رأی مفسران‌های سخن به میان نمی‌آید؛ هم خطاها و هم صواب‌ها عین تفسیرند.

---

### 1. Aposteriori.

۲. یعنی مسبوق به تولد علوم و برخوردار از سیر تاریخی آنها؛ بر خلاف معرفت‌شناسی پیشینی که سابق بر تولد معارف بشری است (Apriori) که به مسیر تاریخی علوم اعتنایی ندارد و تمام هم آن این است که معین کند موجودی به نام ادراک یا علم که موطئن نفس است، چگونه موجودی است. (برای توضیح بیشتر ر.ک: عبدالکریم سروش، قبض و بسط تئوریک شریعت، ص ۲۵۶-۲۶۰)

چهارچوب پژوهش حاضر از یک «درآمد» - که حاوی نه مبحث جداگانه است - و سه مرحله اساسی تشکیل یافته است.

مباحث نه‌گانه‌ای که که زیر نام درآمد درآمده‌اند، در بردارنده موضوعاتی است که طرح آنها، خس و خاشاک اذهان و دیدگان را در نگرستن به تفسیر موضوعی می‌زداید و خواننده را تا آستانه بحث اصلی رهنمون می‌کند.

فصل آغازین درآمد، به خاستگاه تاریخی - معرفتی تفسیر موضوعی اشارت دارد. تبارشناسی تاریخی این پدیده در فصل دوم کاوش شده است. جایگاه تفسیر موضوعی در طبقه‌بندی تفاسیر را در فصل سوم خواهیم یافت و نشان خواهیم داد که مبنای تقسیم تفاسیر به «موضوعی» و «ترتیبی» چیست. پاره‌ای از صاحب‌نظران با روش‌های تفسیر موضوعی «سخن رانده‌اند. فصل چهارم نیز در پی پاسخ به این سوال خواهد بود که «آیا در تفسیر موضوعی، ما با یک روش روبه‌رویم یا با روش‌ها؟»

فصل پنجم هم به تبیین نسبت تفسیر موضوعی با تفسیر ترتیبی می‌پردازد و در آن، امکان‌جانشینی تفسیر موضوعی و سرآمدن روش تفسیر ترتیبی، طرح و طرد می‌شود و از داد و ستد - و همیاری تفسیر موضوعی با تفسیر ترتیبی سخن می‌گوییم. به چشم «جانشین» و «رقیب» ندیدن تفسیر موضوعی و بلکه مکمل دانستن آن، خود به خود سخن از ضرورت تفسیر موضوعی در میان می‌آورد.

لب سخن ما در فصل ششم این خواهد بود که اولاً تأکید بر ضرورت تفسیر موضوعی به معنای نفی ضرورت تفسیر ترتیبی نیست و ثانیاً این ضرورت از جهات گوناگون - که بر خواهیم شمرد - خود را به رخ می‌کشد.

دلایل و دغدغه‌های مخالفان تفسیر موضوعی را در هفتمین فصل به میزان نقد سپرده‌ایم و فصل هشتم را به دامنه‌شناسی موضوعات در تفسیر موضوعی اختصاص داده‌ایم و در آن جا آشکار می‌کنیم که این بحث هم‌آغوش و در پیوند

با مقوله مهم «قلمروشناسی دین» است و مفسران به تناسب پاسخی که به سؤال از «حدود انتظارات ما از دین» دارند، دایره موضوعات در تفسیر موضوعی را دچار قبض و بسط می‌کنند.

در واپسین فصل مدخل، با برداشتن دو گام، مانعیت تعریفی که از تفسیر موضوعی در مراحل بعدی ارائه خواهیم کرد، تأمین کرده‌ایم: در گام نخست مباحث علوم قرآنی را از سنخ تفسیر موضوعی ندانستیم و آن را از جرگه تفاسیر موضوعی راندیم و در گام بعدی با تأکید بر ضرورت «پسینی بودن تعریف از تفسیر موضوعی» ذمه خود را از ارائه تعریفی ذهنی و آرمانی و در عین حال بی‌ثمر رها کردیم و بدین ترتیب، در آستانه مراحل سه‌گانه پژوهش قرار گرفتیم: - در مرحله «تک‌صیف» ده نمونه از تفاسیر موضوعی را گزینش و گزارش می‌کنیم. انتخاب نمونه‌ها دارای شرایطی بود و از این رو، حاوی نکات جالب و آموزنده و چشم‌گشاست و از جهات گوناگون قابل مقایسه و مذاقه‌اند.

- در مرحله «تیین»، نمونه‌های ده‌گانه‌ها در تکیه‌گاه و محل استناد و بستر کاوش واقع شده‌اند. این مرحله را در سه گام بلند پست سه‌گانه‌ایم: نخست بر اساس همان نمونه‌های ده‌گانه و با اتکا به اوصاف هم‌گون و ویژگی‌های مشترک آنها، تعریفی ارائه می‌شود و پس از آن، در مقام ذکر تفصیلی بن‌مایه‌ها و عناصر تعریف بر می‌آییم. گام دوم ما در این مرحله، کشف منابع تغذیه و به تعبیر دیگر ارکان معرفتی تفسیر موضوعی است. در این بخش روشن می‌گردد که تفسیر موضوعی بر دو رکن اساسی ایستاده است: رکن درونی (کتاب و سنت) و رکن بیرونی (معلومات و پیش‌فرض‌های مقبول مفسر). افزون بر این، نحوه داد و ستد و نسبتی که بین این دو رکن برقرار است در این بخش بررسی شده است. ذکر «مبانی تئوریک تفسیر موضوعی» واپسین گامی است که نیازمند تأمل و دقت فراوان است. تفسیر موضوعی به لحاظ تئوریک، مسبوق به پیش‌فرض‌هایی

است که مفسر آگاهانه یا ناآگاهانه آنها را مفروض دانسته است، به گونه‌ای که افکندن خللی در یکی از آنها دست مفسر موضوعی را خواهد بست. این مبانی و پیش‌فرض‌ها کدامند؟ پاسخ ما را بدین پرسش در جای خود خواهید خواند.

در گذر از وادی «تبیین»، گام در مرحله «توصیه» می‌نهییم. در این مرحله «باید»های منطقی روش‌شناختی را که برخاسته از «است»هاست و از لوازم و نتایج آن محسوب می‌گردد، یک به یک برخواهیم شمرد و مفسران موضوعی را به تأمل در آن نکته‌های دقیق و باریک فرا خواهیم خواند.

\*\*\*

نه تنها این مکتوب، که هیچ کتابی هرگز تمام نتواند بود. «هنگامی که کار در دست است، تنها همین قدر یاد می‌گیریم که در لحظه‌ای که فراغت می‌یابیم، به ناپختگی آن پی ببریم.» (ابراهیم مال، خداوند مَنان را که در اتمام این تحقیق، توفیق را رفیق و قرین من فرمود، سپاس بی‌شمار می‌گزارم.)

سید هدایت جلیلی